

## مؤلفه‌های منابع سیاسی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران در افق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

علی‌اکبر جعفری\* / سیدمحمدجواد قربی\*\*  
(۷۵-۹۴)

### چکیده

قدرت نرم، با این که در حوزه عمل، دارای دیرینه زیادی است، اما در دو دهه اخیر، در محیط آکادمیک مطرح شده است، شاید از این رو، در ایران، تبیین مؤلفه‌های منابع قدرت نرم و کاربست آن، جهت نیل به جایگاه اول اقتصادی و سیاسی منطقه، با ابهاماتی مواجه است، (مسئله) موضوعی که در آثار بر جای مانده از قدرت نرم در ایران، مورد توجه جدی قرار نگرفته است، بنابراین، پرسش آن است که منابع سیاسی قدرت نرم جامعه ایرانی در سند چشم‌انداز بیست ساله، شامل چه مؤلفه‌هایی می‌شوند؟ (سؤال) به نظر می‌رسد مؤلفه‌های منابع سیاسی قدرت نرم، بیش از ابعاد بیرونی، بر وجوه درونی استوار است (فرضیه). در نتیجه، مقاله سعی دارد به تبیین عناصر سازنده منابع سیاسی قدرت نرم ایران در افق سند چشم‌انداز بپردازد (هدف). مقاله برای تجزیه و تحلیل داده‌های سند چشم‌انداز و پاسخ به سؤال، از روش

\* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) - A.jafari@umz.ac.ir  
\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی - ghorbi68@yahoo.com  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۲۸

تحلیلی-توصیفی و جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای مناسب استفاده می‌کند (روش). بررسی‌ها نشان می‌دهند که مؤلفه‌های سیاسی قدرت نرم، شامل فرهنگ راهبردی پایداری، برخورداری از امنیت، سازگاری ملی، سرمایه‌های اجتماعی و نظایر آن است (یافته).

**واژگان کلیدی:** قدرت نرم، سند چشم‌انداز، سازگاری اجتماعی، جامعه امن و منابع سیاسی

## مقدمه

برای استقرار و بقای نظام‌های سیاسی در عصر مردم‌سالاری، کاربست قدرت نرم<sup>۱</sup> و استعانت از منابع و اهرم‌های نرم‌افزاری قدرت، بسیار دارای اهمیت است و کشورهایی که توانایی‌های لازم در بهره‌گیری از قدرت نرم را در عرصه‌های ملی و بین‌المللی ندارند، از مشروعیت و کارآمدی پایینی برخوردارند و میزان شکنندگی آنها بسیار زیاد خواهد بود. در مقابل، کشورهایی که از قدرت نرم برخوردارند، بر میزان مقبولیت عمومی آنها افزوده می‌شود و پیشرفت جامعه و نظام سیاسی در آنها ارتقا می‌یابد. البته باید توجه داشت که پس از مطرح شدن نظریه قدرت نرم در روابط بین‌الملل، بیشتر نظرها معطوف به مؤلفه‌ها و ابعاد خارجی قدرت نرم گشت؛ این در حالی است که انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی ایران، به همگان نشان داد که توانمندی در سیاست خارجی، دیپلماسی فعال و توانمندی‌های خارجی، به‌تنهایی تولیدکننده قدرت نرم نیستند؛ بلکه قدرت نرم بین‌المللی، زاینده قدرت اجتماعی و استحکام ساخت درونی قدرت ملی و نظام سیاسی است. به عبارتی دیگر، دارایی‌های یک کشور در محیط ملی است که آن را به بازیگری موفق در عرصه بین‌الملل تبدیل می‌کند؛ زیرا اگر یک نظام مردم‌سالار، در داخل با مشکلات عدیده‌ای نظیر عدم وفاق اجتماعی و هم‌بستگی ملی، منازعات قومی، شکاف سیاسی عمیق میان گروه‌ها و احزاب سیاسی، ناکارآمدی سیاسی، کاهش تبعیت از رهبری در جامعه اسلامی و غیره مواجه باشد، نمی‌تواند در محیط بیرون از خود با اقتدار و مشروعیت لازم به کنشگری بپردازد.

قدرت نرم، در سطح ملی دارای منابع مختلفی در اجتماع، فرهنگ، سیاست و اقتصاد است که در جمهوری اسلامی ایران به‌وفور یافت می‌شوند که در این میان، مؤلفه‌های سیاسی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و بیشتر تمرکز پژوهشگران، بر روی دو بعد فرهنگی و اقتصادی بوده است. از همین‌رو،

این مقاله سعی دارد به بررسی منابع سیاسی قدرت نرم بپردازد و از آنجایی که گزیده‌ای از این منابع در اسناد فرادستی جمهوری اسلامی، نظیر سیاست‌های کلی نظام و چشم‌انداز ۱۴۰۴ قابل رؤیت است، به صورت موردی سند چشم‌انداز بیست‌ساله مورد مذاقه و بررسی قرار خواهد گرفت. از این رو، بررسی چشم‌انداز بیست‌ساله می‌تواند به شناسایی و سیاست‌گذاری در عرصه قدرت نرم کمک شایانی کند و مؤلفه‌های سیاسی قدرت نرم را با کارگزاران مربوطه بشناساند و در سطح داخلی و خارجی نیز ضامن ارتقای قدرت نرم‌افزاری ایران خواهد بود؛ و توجه به این منابع سیاسی می‌تواند زمینه‌های اقتدار بین‌المللی و کسب موقعیت‌های مهم سیاسی را در سطح منطقه و جهان اسلام برای ایران اسلامی به ارمغان بیاورد.

## ۱. مبانی مفهومی و نظری پژوهش

در این بخش قدرت نرم در ادبیات سیاسی و روابط بین‌الملل و رویکرد بومی قدرت نرم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. قدرت نرم در ادبیات سیاسی و روابط بین‌الملل: قدرت نرم، مفهومی است که با توجه به کاهش سطح منازعات در روابط بین‌الملل متولد شده و در پی آن است که نشان دهد در جهان جدید، همکاری و همسازی، کارآمدتر از تنازع و کاربرد فشار و زور است و بدون ایجاد جذابیت و اقناع، امکان دستیابی به منافع ملی امکان ندارد (سلیمی، ۱۳۹۰: ۲۰۱). نظریه‌پردازان قدرت نرم، در تعریف آن بر ویژگی‌های متمایزی از قبیل «قابلیت شکل دادن به علائق دیگران»، «توانایی تعیین اولویت‌ها»، و «توانایی و قدرت جذابیت» تأکید می‌کنند (آقامهدوی و نادری باباناری، ۱۳۹۰: ۱۷۰). در راستای همین ویژگی‌ها، برخی با تأکید بر استفاده از زور و اجبار، به تعریف قدرت نرم می‌پردازند؛ به این معنا که قدرت نرم از جذابیتی برخوردار می‌گردد که به واسطه آن، جوامع و کشورها در وضعیت مخاطب گرفتن، بدون درنگ به سمت آن گام برمی‌دارند. در واقع، خواست عمومی آن کشورها و رفتار عملکردی آنها، بدون بهره‌گیری از زور و با تمایل درونی، در جهت یاد شده شکل می‌گیرد و به این ترتیب، نظم عمومی آن کشور در جهت مورد نظر آن قدرت نرم تحول پیدا می‌کند (غمامی و صلاحی، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

در رویکردی دیگر، جوزف نای<sup>۱</sup> با تأکید بر جاذبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک، به تعریف قدرت نرم می‌پردازد و بیان می‌دارد: قدرت نرم نیز توانایی یک کشور بر وادار کردن کشورهای دیگر است به

1. Joseph Nye.

اینکه همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد؛ و آن هم از طریق جاذبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک صورت می‌گیرد. به سخن دیگر، قدرت نرم به آن گروه از توانمندی‌های یک کشور گفته می‌شود که با به‌کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی و نظایر آن به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد (نای، ۱۳۸۶: ۱۲۵). بر اساس همین منطق، در تعریفی دیگر از قدرت نرم آمده است: توانایی کشورها برای نمایاندن خود به جهانیان می‌باشد. فرهنگ هر کشور، به همان میزان که دافعه دارد، می‌تواند جاذبه هم داشته باشد. تنها قدرت نرم است که می‌تواند جلوه‌ای مثبت از فرهنگ و سیاست کشورها در اذهان جهانیان تصویر کند. قدرت نرم، به تلاشی گفته می‌شود که هدف مستقیم آن، تأثیر بر باورهاست (قربی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). قدرت نرم به مثابه «عنصر اصلی سیاست‌های دموکراتیک» (Nye, 2004: 4)، دارای ماهیتی نرم‌افزاری است که در نظام اسلامی بر ارکانی متفاوت از نظام‌های سکولار استوار است و مبتنی بر ارزش‌ها و ساختار اعتقادی جامعه می‌باشد.

۱-۲. رویکرد بومی قدرت نرم: قدرت نرم، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای بقا و استمرار نظام‌های مردم‌سالار، در مقایسه با نظام‌های اقتدارگرا و استبدادی، برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی، نمی‌تواند از افزایش مؤلفه‌ها و منابع قدرت نرم خود برای حفظ و بقای نظام غفلت کند؛ زیرا با افزایش قدرت نرم در شرایط عادی است که می‌توان ضمن توانایی بر افکار، اذهان و قلوب توده‌ها، به هم‌افزایی و ذخیره‌سازی قدرت سخت و نیمه‌سخت در مواقع بحرانی دست یافت. بر این اساس، با شناخت منابع قدرت نرم و افزایش مؤلفه‌های آن باید به مقابله با تهدیدات نرم متجاوزین پرداخت (هرسیج، ۱۳۹۰: ۱۳۸). قدرت نرم در گفتمان اسلامی، برآیندی از چهره مثبت و لطیف قدرت است و منشأ آن خداوند می‌باشد؛ و به همین دلیل، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن نیز افزون بر عناصر مادی، شامل جنبه‌های الهی و معنوی است. قدرت نرم اسلامی، شامل مؤلفه‌های فرهنگ (جهاد، شهادت، معنویت و تعقل)، ارزش‌های سیاسی (ولایت‌پذیری، همکاری، تعامل و عدالت) و مطلوبیت‌های سیاست خارجی (دعوت، کمک به مستضعفان جهان و همکاری سازنده) و... می‌گردد (پوراحمدی و جعفری‌پناه، ۱۳۹۱: ۱۶ و ۱۷). با این اوصاف، در اسلام قدرت و قدرت ملی حقیقی و مستحکم، ناشی از قدرت الله است که در پرتو ایمان مردم در جامعه تجلی می‌یابد و نشان‌دهنده قدرت آحاد ملت است که در پرتو بیداری و آگاهی (معرفت) به دست می‌آید؛ و از آنجایی که همراه معرفت و آگاهی است، شکننده نیست و قدرت‌های رقیب توان مقابله با آن را ندارند. علت استحکام

قدرت و توانمندی قدرت در جامعه اسلامی، تقواست. عاقبت و آینده قدرت نرم مشروع در اسلام، تحصیل حیات طیبه است و کلید موفقیت و تعالی افراد جامعه و امت اسلامی محسوب می‌شود. نقطه افتراق اصلی میان قدرت در اسلام و غرب، دین به مثابه منشأ و منبع قدرت است؛ به این معنا که دین در گفتمان غربی قدرت، نقشی ابزاری ایفا می‌کند؛ ولی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، اسلام و ارزش‌های الهی قلب گفتمان قدرت شمرده می‌شوند (قربی، ۱۳۹۴: ۱۷). به هر روی، قدرت نرم در قرآن کریم، همسو با فلسفه قدرت در اسلام است و تعریفی متفاوت از قدرت نرم در علوم سیاسی رایج دارد. بدیهی است که هر نوع توانایی و قابلیت که صرفاً خواسته سلطه‌گران را تأمین کند، هرچند به دور از خشونت و زور باشد، از نظر اسلام مشروعیت ندارد. از این رو، قدرت نرم در اسلام به مفهوم توانایی شکل‌دهی و بازسازی آگاهانه ادراک و علایق انسان‌ها از طریق فطرت و عاطفه است. هدایت و عبودیت بشر، اجرای عدالت و تنظیم درست روابط میان انسان‌ها و نظم‌بخشی به شئون زندگی سعادت‌بخش، اهداف این قدرت است. چنین قدرتی با دل‌ها و افکار انسان‌ها سروکار دارد و در عین حال، فرامرزی و خارج از کنترل دولت‌هاست. قدرت نرم اسلام به گونه‌ای است که در شرایط سخت اختناق، نافذ است و در بالاترین موقعیت قدرت، قابل اعمال.

قدرت نرم، بر اساس مفهوم مستفاد از قرآن نیز منشأ توانمندی و قابلیت است که آزادانه و خیرخواهانه، انسان را به خودش می‌شناساند؛ آبشخورهای زلال فکری را حکیمانانه تبیین می‌کند و با بیان مسیر درست زندگی با همه لطایف و ظرایف در قالب شریعت، انسان را در انتخاب فکر و عمل آزاد می‌گذارد. بدیهی است که منابع قدرت نرم بر اساس نکات یاد شده، متفاوت از دیگر مکاتب می‌باشد. قدرت نرم و منابع آن، ناظر به ریشه‌ها و عوامل پدیدآورنده قدرت، کنش‌ها و جذابیت از منظر قرآن است. سرچشمه‌هایی که به اندیشه بشر جهت می‌دهد، نیازمندی‌های وی را تبیین و آسیب‌های احتمالی او را گوشزد می‌کند؛ ظرفیت‌های نهفته‌اش را به او می‌شناساند و خدا، انسان، جامعه، دوست و دشمن و آیین زندگی را به وی معرفی می‌کند (میرزایی، ۱۳۹۴: ۶۴). این در حالی است که در آموزه‌های مکاتب غربی، منابع قدرت، اغلب مادی و فیزیکی است و کمتر منابع الهی و معنوی و دینی قدرت مد نظر قرار گرفته است؛ اما در آموزه‌های توحیدی قرآن و اسلام، منبع اصلی قدرت نرم، خداوند یکتاست و در ذیل آن، دیگر منابع فرعی و مهم قدرت عبارت‌انداز: علم و دانش، ایمان و باور قلبی به خداوند، وحدت و پرهیز از تعارض‌های مخرب، تقوای الهی، منزلت و پایگاه اجتماعی، ثروت و دارایی، امدادهای غیبی و غیره (ترابی، ۱۳۹۲: ۲۷؛ ایزدی و محمدی، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۷).

در نهایت باید اذعان داشت که قدرت نرم در اسلام، مبتنی بر فطرت است و با تأکید بر اهداف متعالی، سعی در رستگاری مادی و معنوی دارد. قدرت نرم جامعه اسلامی، بر استفاده از منابع نرم‌افزاری تأکید دارد که با ارائه جذابیت‌ها و ماهیت حقیقی قدرت، به صورت مشروع برای دعوت و اعمال قدرت به کار می‌رود. قدرت نرم، با محوریت اخلاقیات، به توانمندی و قابلیت اشاره دارد که خیرخواهانه و بر اساس مصالح و منافع عمومی ملت، اهداف حکومت اسلامی را تسهیل می‌کند و زمینه‌های رشد و ترقی را فراهم می‌آورد. قدرت نرم حکومت اسلامی، از قدرت الله سرچشمه می‌گیرد و بر اساس میزان ایمان جامعه و مسئولین به وعده‌های الهی و پیروی از ولایت، از کمترین شکنندگی برخوردار است و بن‌مایه قدرت نرم در سیاست خارجی، قدرت نرم اجتماعی و سیاسی است؛ به این معنا که همگنی اجتماعی و سیاسی، زمینه‌های کارآمدی و اقتدار را ارتقا می‌بخشد.

## ۲. منابع سیاسی قدرت نرم

به تعبیر «جان نگر و پونته»، هنر و مهارت مربوط به احیای منابع قدرت نرم، بسیار متفاوت از منابع سخت است و ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد که بر بنیاد رضایت‌مندی قرار دارند (نگرو پونته، ۱۳۹۰: ۲۵). هر یک از منابع قدرت نرم، به نحوی سبب ارتقای حیثیت و جایگاه یک کشور در عرصه سیاست بین‌الملل و نظام جهانی می‌شوند و در این مسیر، از ابزارها و مؤلفه‌های قدرت سخت دوری می‌شود (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۳۰۶). با این اوصاف، منابع قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های ذاتی کشورها اطلاق می‌شود که به‌کارگیری آن، به شکل غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگران اثر می‌گذارد (پوستین چی و بالازاده، ۱۳۹۲: ۸۴). جوزف‌نای پیرامون این منابع می‌گوید: «سرچشمه‌های زاینده قدرت نرم برای هر کشور، فرهنگ (در جایی که برای دیگران جذابیت دارد)، ارزش‌ها (هر جا جذابیت داشته باشد و عملکردهای ناسازگار با آنها تضعیف‌شان نکرده باشد) و سیاست‌ها (هر جا دیگران آنها را فراگیر و مشروع بدانند) می‌باشد» (نای، ۱۳۹۰: ۲۵) که در این میان، ارزش‌های مثبت سیاسی یک کشور در بعد داخلی، می‌تواند قدرت نرم یک کشور را افزایش دهد. در بعد داخلی، افکار عمومی، رعایت حقوق بشر، کارآمدی قوه قضائیه، پاسخگویی دولت، پاسخ‌گو بودن به مردم، رعایت اخلاق، و اجرای عدالت، همگی از ارزش‌های مثبت یک حکومت‌اند. (جعفری‌پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۷)

بنابراین، ارزش‌های سیاسی در سطح داخلی باید مطابق با انتظارات و سلايق عموم طراحی گردد و باید سعی شود سیاست‌های مشروع و اخلاقی اتخاذ گردد (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۶۰) و اگر چنین

سیاست‌هایی اتخاذ شود، آنگاه ارزش‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی می‌توانند با ارائه‌ی تصویرسازی مثبت و مطلوب از یک کشور، در سطح افکار عمومی جهان موثر باشند و قدرت نرم را ارتقا بخشند (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۳۰۷). از این رو، چرخه‌ی گفتمانی فرایند تولید قدرت نرم در عرصه‌ی سیاست داخلی، با مکانیسم‌های اعتبار، رضایتمندی، تمکین و اطاعت بدون به‌کارگیری اهرم‌ها و ابزارهای سخت همراه است (صبوری، ۱۳۹۰: ۱۰۹)؛ و به تعبیر «هنریکسون»<sup>۱</sup>، چنین فرایندی مبتنی بر جذب و تنظیم اولویت‌هاست که از عناصر سیاسی، ارزشی و نهادی برای پیشبرد اهداف بهره می‌گرفته می‌شود (Henrikson, 2006: 56).

رویکردی که سبب تمایز گفتمان اسلامی و غربی در منبع سیاست به‌عنوان تولیدکننده‌ی قدرت نرم می‌شود، نوع نگاه به مقوله‌ی سیاست و چگونگی پیشبرد مبارزه برای کسب اهداف است. در گفتمان غربی، کشورها مایل‌اند که با بهره‌گیری از جذابیت‌های سیاسی، ارزش‌های غربی-آمریکایی و واژه‌هایی نظیر دموکراسی و حقوق بشر، انقلاب‌های رنگی و جنگ نرم، به رهبری جهان پردازند و در این مسیر از هر نوع سیاست و تزویری استفاده می‌کنند؛ زیرا معتقدند که با نفوذ دادن ارزش‌های خود در جوامع دیگر، باعث جاذبه‌ی خود می‌شوند. البته در این مسیر می‌کوشند از سیاست‌های غیرجذاب داخلی، سیاست‌های متکبرانه و تنگ‌نظرانه در ظاهر خودداری کنند تا از این طریق میزان جاذبه‌ی خویش را ارتقا دهند و از صدمه وارد شدن به تصویر کشور جلوگیری نمایند؛ در حالی که سیاست در گفتمان اسلامی، با اخلاقیات و ارزش‌های اسلامی (عطوفت، تألیف قلوب، دوستی، همراهی، صداقت، همیاری و...) همراه است و دستیابی به نتایج ترسیم‌شده با هر روش و ابزاری، مذموم و ناپسند دانسته می‌شود. (قربی و جعفری، ۱۳۹۴: ۳۸ و ۳۹).

با این اوصاف، منابع سیاسی قدرت نرم در سطح داخلی، به وضعیتی اشاره دارد که میان مردم و دولت یک اتحاد، هماهنگی و انسجام وجود دارد و همدلی میان دولت و ملت نیز استحکام‌بخش قدرت نرم خواهد بود. در همین راستا، بسیاری از مؤلفه‌های اجتماعی در سطح جامعه دارای ارزش سیاسی‌اند. برای مثال، سرمایه‌های اجتماعی، مقاومت و پایداری، سازگاری اجتماعی، سبک زندگی، همدلی در نظام سیاسی امام-امت و... مؤلفه‌هایی‌اند که پیوند وثیقی با پایداری نظام سیاسی و تقویت قدرت سیاسی حکومت دارند و خدشه در آنها، زمینه‌های کاهش استواری جامعه را به همراه خواهد داشت؛ و در عصر حاضر، با توجه به اهمیت یافتن پدیده‌ی جامعه‌ی قوی، مؤلفه‌های

1. Henrikson.

یاد شده دارای وجه سیاسی‌اند. برای نمونه، سبک زندگی به مثابه یک مؤلفه فرهنگی، در دهه اخیر به یک مؤلفه سیاسی تبدیل شده است و به طور مثال، رغبت عمومی به سبک زندگی آمریکایی، یک مؤلفه سیاسی تولیدکننده قدرت نرم برای ایالات متحده آمریکا است که توسط نظریه‌پردازان نواقح گرا و سازه‌نگاری به آن اشاره شده است.

### ۳. منابع سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز بیست‌ساله

هرچند سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تصویری از جامعه مطلوب و پیشرو در مسیر آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و قانون اساسی است، ولی یکی از ملزومات دستیابی به اهداف ترسیم‌شده این سند، دارا بودن قدرت نرم و منابع کاربردی آن است (ابوالحسنی و نجاتی منفرد، ۱۳۹۰: ۱۷۳). یکی از منابع قدرت نرم در سند چشم‌انداز بیست‌ساله، منابع سیاسی‌اند که در ادامه به آنها اشاره خواهیم داشت.

۱-۳. پیوستگی مردم و حکومت: ملت و دولت، دو عنصر و مبنای اصلی یک کشور و واحد سیاسی تلقی می‌شوند و با وجود آنها، یک سرزمین مشخص شکل می‌گیرد و کیفیت چنین کشوری نیز به نحوه تعامل این دو عنصر وابسته است. چنانچه به تاریخ سیاسی جهان توجه شود، پیشرفت و توسعه پایدار کشورها، اغلب بر مبنای کیفیت رابطه بین ملت و دولت بوده است. رابطه مطلوب ملت با دولت، همان مردم‌سالاری است و زمانی که در این رابطه احکام الهی حاکم باشد، مردم‌سالاری دینی شکل می‌گیرد. نبود این ارتباط مطلوب - که در نتیجه نبود همدلی و هم‌زبانی است به از بین رفتن اعتماد و اطمینان متقابل بین دولت و ملت می‌انجامد و این بی‌اعتمادی، باعث کند شدن سرعت پیشرفت و سازندگی کشور، دامن زدن به اختلافات جناحی و گروهی، ایجاد دلهره در جامعه، و وحشت و نفاق بر روابط دولت و ملت می‌گردد و سرانجام با رقم زدن شکست کشور در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و سازندگی نیز امنیت و قدرت کشور را کاهش می‌دهد (تنهایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹ و ۱۰).

پیوستگی و همراهی مردم با حکومت، یکی از مؤلفه‌های داخلی قدرت نرم، و در نقطه مقابل، بی‌اعتمادی و گسست بین مردم و حکومت، از نشانه‌های حکومت‌های فاقد قدرت نرم است (عبدوس، ۱۳۸۹: ۳۸۸). در همین راستا، همواره دولت‌هایی که پایگاه مردمی ندارند، در برابر قدرت و فشار دولت‌های سلطه‌گر به راحتی تسلیم می‌شوند و به زانو درمی‌آیند؛ در حالی که دولت‌های مردمی که دارای پایگاه قوی در بین آحاد جامعه باشند، در برابر هر نوع توطئه، جنگ‌ها و شورش‌های با محرک خارجی، از نوعی مصونیت برخوردارند (رشاد، ۱۳۹۰: ۲۷).



پیوستگی شهروندان و دولت (به عنوان بازوی اجرایی حکومت اسلامی)، در تحقق چشم‌انداز بیست‌ساله کشور نقش مهمی ایفا می‌کند. دستیابی به اهداف خرد و کلان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بدون ریزنی هدفمند با مردم، با دشواری‌های متعددی مواجه خواهد شد. به عبارت دیگر، جلب اعتماد عمومی برای همراهی دولت در اجرای برنامه‌های میان‌مدت چشم‌انداز بیست‌ساله عامل بسیار مهمی در نیل به اهداف کشور خواهد بود (دانایی‌فر، ۱۳۸۴: ۹۷) و در عین حال، یکی از ارکان مهم قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مردمی بودن آن و پیوستگی مردم و حکومت است. نقش مردم در پیروزی انقلاب اسلامی و مستحکم کردن پایه‌های نظام اسلامی در تهدیدها و رویدادهای مختلف، بی‌بدیل می‌باشد (پوستین‌چی و بالازاده، ۱۳۹۲: ۹۸). با بررسی سند چشم‌انداز می‌توان دریافت که جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴، زمانی به توسعه پایدار، امنیت و قدرت دست خواهد یافت که تعامل و پیوستگی میان مردم و حکومت برقرار باشد و در اصل سوم سند چشم‌انداز، جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز با «پیوستگی مردم و حکومت» شناخته می‌شود و مؤلفه‌هایی نظیر «عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی» (مقدمه سند چشم‌انداز)، تأکیدی بر تعامل برنامه‌ها و سیاست‌های اتخاذشده دولت با مردم دارد. در عین حال، در اصل پنجم به مؤلفه سازگاری اجتماعی اشاره دارد که می‌توان تعامل و پیوند مردم و دولت را از آن برداشت نمود. این پیوستگی و تعامل، زمینه‌های رفع تهدیدات، تقویت هم‌بستگی، همیاری و تعاون را فراهم می‌آورد که بسترساز قدرت نرم در سطح داخلی‌اند.

۲-۳. کشور امن (برخورداری از امنیت): از دیربها، مفهوم امنیت در مقام دانش، واژه‌ای غلیظ، قابل حس و خواستنی، اما غیرشفاف، دیر ادراک و توهم‌زا در تاریخ بشر حضور یافته و این ابهام، در بستر تغییر و تحولات پیچیده ناشی از فشردگی زمان و مکان در عصر انقلاب فناوری ارتباطات - اطلاعات، روزافزون شده است. شاید «زندگی امن»، نخستین و عالی‌ترین درخواست بشر باشد؛ زیرا در سایه تحقق آن، درخواست‌های دیگر امکان تحقق می‌یابد. از این رو، «جامعه و کشور امن» در نگاه استراتژیست‌های مدرن، زیربنای توسعه پایدار تلقی می‌شود و هم‌نشین قدرت و منافع ملی است (قدسی، ۱۳۹۱: ۱۳۵). کشور امن، ناظر به «استحکام درونی قدرت ملی» است و زمانی که کشور از ثبات و امنیت همه‌جانبه برخوردار باشد، قدرتی متعالی خواهد داشت در واقع، «استحکام درونی، آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها به جوامع می‌دهد. باید در درون مستحکم بود» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۴/۸).

ایران بر اساس ویژگی سوم بیان شده در سند چشم‌انداز، «کشوری امن، مستقل و مقتدر» است. این رویکرد، دارای ابعاد اجتماعی و سیاسی است. کشوری می‌تواند امن باشد که در داخل آن، مردم از حداقل‌های زندگی برخوردار باشند و دولت نگرانی از تهدید خارجی نداشته باشد. در کشور امن، آحاد مردم، از امنیت در حوزه‌های مختلف برخوردارند و در آسایش و به دور از ترس و ارباب، به حیات اجتماعی خود ادامه می‌دهند (علایی، ۱۳۹۱: ۲۱). در عین حال، در اصل اول چشم‌انداز، به «بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی» اشاره شده است. به هر روی، جامعه امن، یکی از لوازم ارتقای قدرت نرم است؛ زیرا در یک جامعه بی‌ثبات، نمی‌توان وحدت و هم‌بستگی را حفظ کرد و شرایط عمران و آبادی، توسعه، کارآمدی، مشروعیت و سرمایه‌های اجتماعی نظام مخدوش می‌شود و زمینه‌های زوال قدرت به وجود می‌آید. در نقطه مقابل، جامعه امن نیز شرایط رشد اقتصادی، ثبات داخلی، اجرای برنامه‌های کلان دولتی، تعامل قوی در سیاست خارجی به پشتوانه محیط امن داخلی و... را فراهم می‌آورد.

اگرچه تأمین امنیت از مهم‌ترین کارویژه‌های هر نظام سیاسی است، اما مانایی مبتنی بر شاکله اصلی و طی طریق در مسیر پیشرفت و تعالی همه نظام‌ها، در گرو آن است که امنیت، نه موضعی (از منظر مکان) و نه نقطه‌ای (از نظر زمان) و نه متکی بر انگاره‌ها یا سازه‌های متزلزل، بلکه به صورت پایدار و مستحکم حاصل شود. امنیت، در مواجهه با تغییرات محیطی که تلاطم آن متأثر از تقاطع تنش‌آفرین منافع حیاتی بازیگران متعدد با مبانی ارزشی متعارض است، بسیار شکننده خواهد بود؛ از همین روست که تأمین امنیت همه‌جانبه و مستحکم، دغدغه همه دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌هایی است محیط امنیتی آنها نامطمئن و ناپایدار است. دولت‌ها برای کنترل گسل‌های امنیتی درونی و پیشگیری از گسست‌های ناشی از ضربه‌های مستقیم یا تکانه‌های غیرمستقیم محیطی، راهبردهایی از قبیل ایجاد محیط پلیسی و امنیتی، تکیه بر ستون‌های قدرت بیرونی، و... را اتخاذ می‌کنند؛ اما جمهوری اسلامی ایران، استحکام ساخت درونی قدرت را به‌عنوان نسخه راهبردی تحقق امنیت پایدار خود برگزیده است. استحکام ساخت درونی، در گرو به کار گرفتن عقل، معنویت و توکل، نگاه به ظرفیت‌های درونی، وحدت کلمه، و حضور مؤثر، مستمر و هوشمندانه مردم در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره است که ملات آن ایمان و آمادگی برای مجاهدت، و اولویت آن ساخت درونی و باطنی خود (درون شخصی افراد و درون کلیت جامعه) است و با تکیه بر مفهوم ولایت - که تقرب خلال‌ناپذیر میان امام و امت در چهارچوب ارزش‌های اسلامی را مطرح می‌سازد ممکن می‌شود.

استحکام ساخت درونی با افزایش ضریب نفوذناپذیری نظام، سلب ارادهٔ تهاجمی دشمن و در نتیجه بازدارندگی را محقق می‌سازد؛ سطح تعادل سیستم را گسترش می‌دهد؛ نوسان‌ها و موج‌های طبیعی برآمده از جریان‌های داخلی را هضم می‌کند؛ منشور امنیت را چندوجهی می‌سازد؛ شبکهٔ گسترده‌ای از رصد، پایش و مقابله را با پیوند هم‌افزا و اثربخش میان تک‌تک سلول‌های مردمی شکل می‌دهد؛ مسئولیت امنیت را از دولت به ملت-دولت شکل‌یافته در یک قالب واحد منتقل می‌کند و در نهایت، قدرت نرم را افزایش می‌دهد (ظریف‌منش، ۱۳۹۴: ۳۹ و ۴۰).

۳-۳. تعاون و سازگاری اجتماعی: قدرت نرم در گفتمان اسلامی، بر اساس همیاری و سازگاری میان کارگزاران قدرت (اعم از دولت و ملت) و نه منفک از هم تصویر می‌شود؛ و این سازگاری و تعاون، بر اساس وجود بنیان اعتقادی واحد، اهداف سیاسی یک‌سان، مصلحت‌اندیشی دولت، متناسب با نیازهای ملت، نقش‌آفرینی رهبری به مثابهٔ محور وفاق اجتماعی، و اصل احقاق حقوق ملت حاصل می‌آید (افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۹). تعاون و سازگاری اجتماعی در جامعهٔ توحیدی، پیش از آنکه دستوری و حیانی باشد، امری عقلانی است و علاوه بر مطلوبیت دینی، ضرورتی عینی است؛ چراکه تعاون در نظام اجتماعی اسلام، تداوم حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح است؛ وحدت، نه تنها در عقاید و شریعت اسلام ریشه دارد، که حیات امت اسلامی و تاریخ این امت بر آن استوار است. وحدت و هم‌گرایی، هدفی عالی و آرمانی است که اگر به‌خوبی تبیین شود و در جامعهٔ اسلامی تحقق یابد، گذشتهٔ عزتمندانه اسلام و مسلمانان و تاریخ درخشان فتح خندق و خیبر را تداعی می‌کند و خطرات شیرین فروریختن کاخ‌های شام و مدائن، و تسلیم امپراتوری‌های بزرگ روم و ایران در برابر فرهنگ عزتمند اسلام را به یاد می‌آورد (وطن‌دوست، ۱۳۸۹: ۱۱). تجمیع ظرفیت‌های انسانی، همکاری و تعاون آنها برای پیشبرد اهداف اجتماعی و انجام کارهای بزرگ، بدون وحدت و همدلی صورت نمی‌گیرد و تعاون و هم‌گرایی آحاد جامعه و همدلی که به هم‌فکری، همکاری و تعاون می‌انجامد، از ابزارها و منابع قدرت نرم جامعهٔ مؤمنان شمرده می‌شود (جوشقانی، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

در همین راستا، اصل پنجم سند چشم‌انداز به مؤلفهٔ «روحیهٔ تعاون و سازگاری اجتماعی» به عنوان یکی از ویژگی‌های جامعهٔ ایرانی در افق ۱۴۰۴ اشاره دارد که در جوامع اسلامی، یکی از منابع اصلی قدرت نرم محسوب می‌شود. این مؤلفه می‌تواند زمینه‌های وحدت و یک‌پارچگی ملی، کاهش اختلاف‌های قومی-مذهبی، بازدارندگی در برابر تهدیدات بیرونی، حس مشترک در مقابل دشمنان، جلوگیری از انحرافات اجتماعی و سیاسی، استقلال سیاسی، پایداری و استقامت و... را به وجود

آورد؛ زیرا تهدیدات اجتماعی و سیاسی، از طریق تعاون و سازگاری اجتماعی برطرف می‌شود؛ و مشارکت به همراه تعامل عمومی است که تأمین‌کننده قدرت در سطح ملی خواهند بود.

۳-۴. سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی، مجموعهٔ هنجارهای موجود در نظام‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده، موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود (ابوالحسنی و نجاتی منفرد، ۱۳۹۰: ۱۸۴). در شرایط فعلی، سرمایه‌های اجتماعی نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه‌های فیزیکی و انسانی در جوامع، به ویژه در زمینهٔ امور حکومت‌داری، تقویت مشروعیت سیاسی، ارتقای ظرفیت نظام سیاسی و افزایش قدرت نرم ایفا می‌کند (ابوالفتحی و نوری، ۱۳۹۲: ۷۴). بنابراین، سرمایه‌های اجتماعی از منابع اصلی تولید قدرت نرم شمرده می‌شوند و مردم از جملهٔ این سرمایه‌ها هستند. به همین دلیل، برخی از نظریه‌پردازان تأکید دارند که مردم و جمعیت، از عناصر اصلی قدرت ملی نظام سیاسی به شمار می‌آیند. در سیاست داخلی، همراه کردن مردم و افزایش مشروعیت نظام سیاسی و افزایش اعتماد مردم به مسئولین نیز اصلی‌ترین کاربرد قدرت نرم خواهد بود. به عبارتی دیگر، مردم در نظام اسلامی، یکی از قابلیت‌های غلبه بر چالش‌ها به شمار می‌آیند و از همین راه، مشارکت مردمی در امور کشور نیز ارتباط مستقیمی با ارتقای قدرت نرم دارد. مردم به مثابهٔ سرمایه‌های اجتماعی در نظام اسلام، ی به منزلهٔ «کمر بند تأمین مستحکم نظام سیاسی» مورد توجه‌اند و نقش کلیدی در تولید قدرت نرم اسلامی، حفظ و افزایش ضریب تأثیر آن در جامعه دارند (قربی، ۱۳۹۴: ۲۸).

از شاخصه‌های سنجش قدرت نرم، میزان برخورداری شهروندان از اعتماد و دیگر مؤلفه‌ها در حوزهٔ سرمایه اجتماعی است. هیچ ملتی بدون برخورداری از قدرت نرم و ایجاد وفاق و هم‌بستگی اجتماعی، قادر به حرکت در مسیر تعالی و کسب اعتبار معنوی در جامعهٔ جهانی نخواهد بود. این اعتماد، در دو سطح مردم-مردم و حاکمیت-مردم قابل تجلی و بازتاب است و سرمایه اجتماعی، معطوف به کشف و استخراج این شاخصه‌ها در جوامع است (قدسی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). اصل دوم چشم‌انداز تأکید دارد که جامعهٔ ایرانی در افق ۱۴۰۴ باید برخوردار از «سرمایه اجتماعی» باشد؛ و با نگرشی به بندهای این سند می‌توان به مؤلفه‌هایی متعدد دست یافت که جزء سرمایه‌های اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و تقویت‌کنندهٔ قدرت نرم خواهند بود. برخی از این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: ایمان، عزم ملی، کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانهٔ جمعی، پیوستگی مردم و حکومت، نهاد مستحکم خانواده، سهم برتر نیروی انسانی، جامعهٔ اخلاقی، مسئولیت‌پذیری و ایثارگری افراد، وجدان کاری و انضباط،

روحیه تعاون و سازگاری، تعهد به انقلاب و نظام اسلامی، ولایت‌پذیری، موقعیت علمی و... این مؤلفه‌ها در پیوست با یکدیگر، به تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی بسیار کمک می‌کنند و یک جامعه پویا و کارآمد را ایجاد می‌نمایند. وجود مؤلفه‌های یاد شده، زمینه‌های ارتقای اعتماد، افزایش اعتبار و گسترش مشارکت مردمی را فراهم می‌آورد که این مؤلفه‌ها، تأثیر زیادی بر توانمندی کشور از حیث قدرت نرم می‌گذارد.

با این اوصاف، سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، سندی راهبردی است که برای توسعه و امنیت پایدار کشور و کسب قدرت برتر منطقه‌ای در مدت تعیین شده تدوین گردیده است. از نظر این سند، قدرت جمهوری اسلامی ایران اغلب مبتنی بر منابع قدرت نرم خواهد بود. اقتصاد برتر، فناوری و دانایی، منابع انسانی برتر، سرمایه اجتماعی، و پیوستگی مردم و حاکمیت، مهم‌ترین منابع قدرت تلقی شده‌اند. تحلیل این موضوع نشان می‌دهد وضع امنیتی آینده، ناشی از اتخاذ سیاست‌های امنیتی معطوف به رویکردهای نرم و ایجابی است. در چگونگی نگاه به قدرت و منابع آن، توجه اساسی، به ساخت‌های اجتماعی، مشارکت و همکاری مردمی است. از سوی دیگر، سند چشم‌انداز مهم‌ترین آشکال قدرت در حوزه داخلی را تحت عناوین «امنیت اجتماعی و قضایی» به کار برده است که از مفاد آن می‌توان استنباط کرد دسترسی به امنیت و قدرت ایجابی، هدف اصلی چشم‌انداز است. در تعبیر دیگر، قدرت و امنیت کشور صرفاً دفع تهدیدات خارجی نیست؛ بلکه ناشی از شکل‌گیری ساختارهای باثبات، مشروعیت‌سازی، رضایتمندی، افزایش احساس امنیت، توسعه، پیشرفت و توان سیاست‌سازی داخلی است. در نتیجه، مهم‌ترین سیاست یا هدف قدرت در چشم‌انداز بیست‌ساله، تأمین قدرت نرم از طریق کاهش و رفع آسیب‌های اجتماعی قلمداد می‌شود (جهانتاب، ۱۳۹۰: ۱).

۳-۵. سبک زندگی اسلامی-ایرانی: در عصر پسامدرن، قدرت در تمام ابعاد زندگی اجتماعی حضور چشمگیر یافته و مسائل و موضوعات زندگی روزمره مردم، مثل مصرف، فعالیت‌های عادی، فضای خانواده و... به امر قدرت پیوسته است. در این دوران با افول سیاست طبقاتی حزبی، ظهور سیاست گروه‌های منزلتی، تأکید بر مصرف، تفاوت و تکثر، سبک‌های زندگی متعدد و ترکیبی، پیدایش خرده فرهنگ‌های نوین و نقش گفتمان و قدرت در برساخته شدن سوژه/هویت، موجب خلق مفهوم «سیاست تفاوت» و «سیاست هویت» شده است. باید به این نکته توجه داشت که در دوران جدید، برخلاف سیاست قدیم که صرفاً تحلیل‌های ساختاری را برای تغییرات ارائه می‌داد برای تبیین

تغییرات اجتماعی سیاسی، ناگزیر نقش و جایگاه متغیرهای فرهنگی نظیر سبک زندگی را باید مد نظر قرار داد (خواجeh‌سروی و طباحی، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

سبک زندگی را می‌توان بخش نرم‌افزاری یک تمدن به شمار آورد که مجموعه دانش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، رسوم (یزدانی و شیخون، ۱۳۹۱: ۱۱۰)، نوع زندگی، برداشت از زیست اجتماعی و حیات اخروی، شیوه تعامل اجتماعی، نوع پوشش، وضعیت زنان، نوع پاسخ به پرسش‌های مردم و... را شامل می‌شود. سبک زندگی به عنوان یک مجموعه فرهنگی و ارزشی، یکی از منابع قدرت نرم شمرده می‌شود که تزلزل در آن می‌تواند زوال قدرت ملی را به همراه داشته باشد (دلیرپور، ۱۳۹۱: ۴۹)؛ زیرا صادرکننده فرهنگ کشور میزبان و ایجادکننده جذابیت‌های فرهنگی در کشورهای هدف است و می‌تواند ضمن وابستگی ملت‌های جهان به فرهنگ پیشرو، بر سیاست‌های دولتمردان تأثیر بگذارد. با بررسی سند چشم‌انداز می‌توان به این نکته پی برد که تأکید بر «جامعه اخلاقی» و «اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی»، نشان‌دهنده نوع سبک زندگی اسلامی-ایرانی است که قابلیت الهام‌بخش شدن در منطقه و الگودهی به ملت‌های آزاده را دارد. به عبارتی دیگر، جمهوری اسلامی ایران در مقام نظر، شیوه زندگی و جامعه اخلاقی متفاوتی نسبت به شیوه زیست نظام سرمایه‌داری ارائه می‌دهد و می‌کوشد در مقام عمل نیز آن را محقق نماید. یکی از دلایل الهام‌بخش بودن جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، ارائه و الگوسازی همین شیوه زندگی متفاوت با شیوه زندگی تبلیغی نظام مسلط است. در اینجا منظور از شیوه زیست، محدود به نیازهای زندگی روزمره نیست؛ بلکه به یک معنا پاسخ دادن به نیازهای فکری، ایدئولوژیک و زیستی است. مفاهیم و گزاره‌های کلانی که نظام سرمایه‌داری به آنها تکیه دارد، در گفتمان جمهوری اسلامی هم وجود دارند؛ اما به شکلی دیگر این گفتمان توانسته است با بازتولید خود، مفاهیم اصلی خود را هم تولید کند. برای مثال، اگر نظام قلدور جهانی از حقوق بشر، مردم‌سالاری و آزادی سخن می‌گوید، گفتمان جمهوری اسلامی در برابر آنها موضع نفی یا پذیرش کامل ندارد؛ بلکه تفسیر خاص خود را از این مفاهیم عرضه می‌کند.

قدرت گفتمانی یا الهام‌بخش بودن جامعه ایرانی در جهان اسلام، تا حد قابل توجهی ناشی از قدرت آن برای پاسخ دادن به پرسش‌های بنیادینی است که جهان اسلام و امت اسلامی در چند دهه اخیر با آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند؛ پرسش‌هایی چون رابطه اسلام و دموکراسی، وضعیت زنان، اقلیت‌ها، حقوق بشر و... انقلاب اسلامی و به پیرو آن، جمهوری اسلامی، با رویکردی اسلامی به این پرسش‌ها پاسخ داد و بنابراین به منبع الهام‌بخشی برای بسیاری از مسلمانان در جوامع اسلامی

تبدیل شد (قهرمانپور، ۱۳۸۹: ۱۶۴). با این اوصاف، مجموعه‌ای از شیوه‌های زیست اجتماعی، سیاسی و فکری در سند چشم‌انداز وجود دارد که می‌تواند به منزله یک الگو در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام مطرح شود و به مثابه بدیلی انتقادی در برابر سبک زندگی غربی مطرح گردد و در همین راستا، با ایجاد جذابیت‌ها و رواج ارزش‌های ایرانی-اسلامی، قدرت نرم ایران را بازتولید نماید.

۳-۶. فرهنگ راهبردی پایداری و مقاومت: از آنجا که فرهنگ استقامت و پایداری، هم در قرآن کریم و هم در روایات و سیره ائمه دیده می‌شود، باید آن را از عناصر سیاسی قدرت نرم در گفتمان اسلامی به شمار آورد. فرهنگ مقاومت و پایداری، زمانی شکل می‌گیرد که کشورها در وضعیت خیزش سیاسی در برابر شرایط ناعادلانه قرار داشته باشند. نشانه‌های مقاومت، در زیرساخت‌های فرهنگ سیاسی ایران وجود دارد. انقلاب اسلامی ایران چنین شاخص‌هایی را بازتولید کرد و پرورش داد. زمانی که تهدیدهای متراکم فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به وجود آمد، جامعه ایرانی در وضعیت واکنش نسبت به شرایط تهدید قرار گرفت و مقاومت و پایداری کرد (شریفیان و فراهانی، ۱۳۹۳: ۵۴). از منظری دیگر، وقوع انقلاب اسلامی ایران به احیای کارکردهای سیاسی دین در مخالفت با وضع موجود در نظام بین‌الملل و ارائه نظمی نوین و عادلانه برای آن انجامید. انقلاب اسلامی با تجدید حیات قدرت سیاسی اسلام، در ایجاد اعتماد و بیداری ملل تحت ستم، نقش مؤثری ایفا نموده و به چند قرن خمودگی و انحطاط تمدن اسلامی خاتمه داده و موجب بروز نوعی بیداری و احیای اسلامی، آن هم بر پایه بازگشت به اسلام شده است. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و در سال‌های پس از آن، روحیه مبارزه با سلطه و مظاهر آن، در کنار پایداری در برابر سختی‌ها و مشکلات، به تدریج موجب خلق نوعی قدرت نرم در میان امت اسلامی شد که امروزه به نام فرهنگ مقاومت شناخته می‌شود و پویایی و بالندگی آن موجب شده است به صورت فرایندی کنترل‌ناپذیر، مرزهای جغرافیایی را درنوردد و موجب دگرگونی‌های عمیق در مناسبات بین‌المللی شود (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۳ و ۳۴). در عین حال، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، پایداری و مقاومت است که تحت تأثیر فرهنگ شیعی، به ویژه واقعه عاشر قرار دارد و در عرصه‌های مختلف، اشکال متفاوتی به خود گرفته است؛ برای نمونه، در جنگ تحمیلی نیز پایداری، بیشتر شکل مقاومت مردمی و شهادت‌طلبی برای دفاع از اسلام و سرزمین در برابر تهاجم خارجی را به خود گرفته بود. در دوران پس از جنگ تحمیلی، پایداری بیشتر به شکل تأکید بر اصول و مقاومت در برابر هر گونه سازش در برابر کشورهای غربی معنا شد (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۵۱). پایداری و

مقاومت در برابر تهدیدات، یکی از عناصر تولیدکننده قدرت نرم و تضعیف قدرت دشمنان است؛ زیرا دشمنان در فرایند تهدیدزایی فرهنگی و نرم‌افزاری، مترصد کاهش سطح مقاومت و پایداری ملت در کشور هدف‌اند و در عین حال، مترصد ایجاد روحیه سازش و تسامح در برابر پیام‌های تولیدشده خود می‌باشند که می‌تواند نوعی رخوت، سستی، بی‌اعتمادی و کاهش مشروعیت را به همراه داشته باشد. عنصر پایداری و مقاومت، در سند چشم‌انداز خود را با «عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی» (مقدمه سند چشم‌انداز) نمایان می‌سازد. در عین حال، در اصل اول سند چشم‌انداز بر «حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها» تأکید شده است؛ اما با توجه به ماهیت نرم‌افزاری تهدیدات و تلاش برای ایجاد ناامنی فرهنگی و اخلاقی، پایداری و مقاومت در برابر دشمنان، بیشتر ماهیتی نرم‌افزاری پیدا کرده است. از آنجایی که بی‌اعتمادی مردم به نظام سیاسی، کاهش تعلق به وطن و نظام سیاسی، کاهش قدرت اسلام و تضعیف فرهنگ ارزشی، در عصر حاضر مدنظر قدرت‌های بزرگ می‌باشد، مقاومت و پایداری در سند چشم‌انداز خود را با مؤلفه‌هایی نظیر «متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن» (اصل پنجم سند چشم‌انداز) و اصل بازدارندگی (اصل سوم سند چشم‌انداز) نشان می‌دهد. با این اوصاف، مقاومت و پایداری در برابر تهدیدات نرم و تعلق خاطر به ملیت، دین و ارزش‌های بومی، یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز است.

### نتیجه‌گیری

این مقاله تلاشی برای شناسایی منابع سیاسی قدرت نرم در چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌باشد و یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ باید به یک جامعه توسعه‌یافته و برخوردار از دانش پیشرفته و توانا در تولید علم و فناوری باشد و در عین حال با دارا بودن مؤلفه‌هایی نظیر تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، روحیه تعاون و سازگاری، اشتغال کامل و... باید به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی و جهان اسلام دست یابد. رسیدن به جایگاه قدرت منطقه‌ای، نیازمند تقویت قدرت نرم است و بررسی سند چشم‌انداز از حیث مؤلفه‌های قدرت نرم، نشان‌دهنده این مهم می‌باشد که جمهوری اسلامی ایران برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و توانمندی نرم‌افزاری در جهان اسلام، دارای منابع متعدد سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و



علمی است. مذاقه در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که دستیابی به قدرت منطقه‌ای و جایگاه برتر منطقه‌ای، مستلزم توانمندی در سطح داخلی است و جامعه ایرانی در افق ترسیم‌شده، باید از قدرت و اقتدار ملی برخوردار باشد و در پرتو ایمان به قدرت لایزال الهی، زمینه‌های قدرت نرم‌افزاری در عرصه‌های منطقه‌ای و جهان اسلام را فراهم آورد. در میان مؤلفه‌ها و منابع متعدد قدرت نرم، منابع سیاسی در سطح داخلی بر قدرت نرم ایران تأثیرگذارند و خواهند توانست توانمندی نرم‌افزاری ایران را ارتقاء بخشند. مؤلفه‌های سیاسی قدرت نرم در سطح داخلی عبارت‌اند از: فرهنگ پایداری و مقاومت مردم و مسئولین در برابر مشکلات؛ پیوستگی و اتحاد مردم و مسئولین؛ برخورداری از امنیت در سطح داخلی؛ تعاون و سازگاری اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی. این مؤلفه‌ها بر ارتقای قدرت نرم جامعه ایرانی در پرتو اصول سند چشم‌انداز بیست‌ساله مؤثر و کاربردی‌اند و توجه به آنها در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان جمهوری اسلامی ایران، کشور را در دستیابی به جایگاه اول و قدرت منطقه‌ای بسیار کمک می‌کند. در عین حال، توکل و ایمان به قدرت لایزال الهی، رمز کارآمدی و موفقیت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است و بدون توجه به این مهم، قدرت ملی شکننده خواهد بود؛ و روش تقویت قدرت مشروع نرم‌افزاری، در پرتو توحیدباوری و ایجاد یک جامعه ایمانی است. به هر روی، منابع سیاسی قدرت نرم در چشم‌انداز بیست‌ساله، ارتباط زیادی با پیوستگی میان مردم و مسئولین دارد که در پرتو این ارتباط حمایت‌گونه، نظام سیاسی به‌راحتی می‌تواند از میزان آسیب‌ها و چالش‌های درونی بکاهد و منازعات سیاسی را مدیریت نماید و از این طریق، میزان اقتدار و کارآمدی خود را ارتقا بخشد که دستاورد آن، قدرت درونی مستحکم می‌باشد که بنای جامعه ایرانی را استحکام می‌بخشد. بر اساس تجربیات انقلاب اسلامی و تلاش‌هایی که در مسیر استقرار جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، نمایان شد که بدون استحکام قدرت درونی و استعانت از منابع نرم‌افزاری قدرت نمی‌توان یک جامعه قدرتمند منطقه‌ای را تصور نمود و چنین رویکردی، در سند چشم‌انداز به‌وفور یافت می‌شود. ویژگی‌های یادشده در خصوص جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که منابعی نظیر حضور مردم در صحنه‌های سیاسی، تعاون در پیشبرد امور سیاسی و اجتماعی، همدلی مسئولین با مردم در راستای تحقق اهداف متعالی نظام اسلامی، بسترسازی برای ایجاد یک جامعه امن و بدون تنش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، و... قدرت نرم را حفاظت و حراست می‌نمایند.

## کتابنامه

- ابوالحسنی، خسرو و نجاتی منفرد، علیرضا (۱۳۹۰). «قدرت نرم و سرمایه نرم اجتماعی در سند چشم‌انداز»، قدرت نرم، س ۱، پیش‌شماره ۲، تابستان، ص ۱۷۳-۲۰۸.
- ابوالفتحی، محمد و نوری، مختار (۱۳۹۲). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، س ۲، ش ۶، بهار، ص ۷۳-۹۰.
- افتخاری، اصغر و دیگران (۱۳۸۷). قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸). «قدرت نرم حکومت اسلامی: منابع و کاربرد»، در: الکساندر تی. جی لئون، کاربرد قدرت نرم، ترجمه سیدمحمسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- آقامهدوی، اصغر و نادری باباناری، مهدی (۱۳۹۰). «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی»، دانش سیاسی، س ۷، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۶۷-۲۰۴.
- ایزدی، فواد و محمدی، محمدجواد (۱۳۹۰). «تولید قدرت نرم در گفتمان انقلاب اسلامی»، مطالعات بسیج، س ۱۴، ش ۵۱، تابستان، ص ۵-۳۲.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم، بوستان کتاب.
- \_\_\_\_\_ و جعفری‌پناه، مهدی (۱۳۹۱). «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات قدرت نرم، س ۲، ش ۶، تابستان، ص ۹-۵۲.
- پوستین‌چی، زهره و بالازاده، محمد (۱۳۹۲). «تأثیر دیپلماسی عمومی آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد دفاعی، س ۱۱، ش ۴۴، زمستان، ص ۷۷-۱۱۳.
- ترابی، قاسم و رضایی، علیرضا (۱۳۹۰). «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی»، مطالعات راهبردی، س ۱۴، ش ۴ (پیاپی ۵۴)، زمستان، ص ۱۳۵-۱۶۲.
- ترابی، یوسف (۱۳۹۲). «قدرت و منابع آن در آموزه‌های قرآنی»، فصلنامه بیان، س ۳، ش ۴، بهار و تابستان، ص ۷-۳۰.
- تنهایی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۴). «نتایج همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت بر امنیت ملی»، امنیت پژوهی، س ۱۴، ش ۴۹، بهار، ص ۷-۳۳.
- جعفری‌پناه، مهدی و میراحمدی، منصور (۱۳۹۱). «مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اسلامی»، معرفت سیاسی، س ۴، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۰۵-۱۲۲.
- جهانتاب، محمد (۱۳۹۰). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت، پایان‌نامه ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جوشقانی، حسین (۱۳۸۹). جنگ نرم از دیدگاه قرآن، تهران، نشرساقی.
- خواجه سروی، غلامرضا و طباحی، جواد (۱۳۹۲). «جهانی‌شدن سبک زندگی و تقاضای دگرگونی سیاسی»، مطالعات جهانی شدن، دوره ۴، ش ۱۰، بهار، ص ۱۳۱-۱۶۰.

- دانایی‌فر، حسن (۱۳۸۴). «پیوستگی مردم و حکومت در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور»، کمال مدیریت، ش ۸، زمستان، ص ۹۷-۱۱۷.
- دلیریور، پرویز (۱۳۹۱). «زوال قدرت نرم ایالات متحده آمریکا»، مطالعات قدرت نرم، س ۲، ش ۷، پاییز و زمستان، ص ۴۵-۶۱.
- رشاد، افسانه (۱۳۹۰). شاخص‌ها و فرایندهای قدرت نرم در فرایند سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز تحقیقات دفاعی.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۰). «مبانی نظری قدرت نرم؛ زمینه‌های اجتماعی قدرت نرم در جهان اسلام»، قدرت نرم، س ۱، ش ۴، زمستان، ص ۱۸۳-۲۰۲.
- شجاعی، هادی و دیگران (۱۳۹۳). «تأثیر انقلاب اسلامی ایران در برجسته شدن موضوع قدرت نرم در روابط بین‌الملل»، معرفت، ش ۲۰۰، مردادماه، ص ۲۵-۳۶.
- شریفیان، جمشید و فراهانی، رحمان (۱۳۹۳). «قدرت نرم رهبری و مردم ایران در مدیریت ناآرامی‌ها»، امنیت‌پژوهی، س ۱۳، ش ۴۵، بهار، ص ۴۳-۶۶.
- صبوری، ضیاء‌الدین (۱۳۹۰). قدرت نرم آمریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ظریف‌منش، حسین (۱۳۹۴). «استحکام ساخت درونی، نسخه راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق امنیت پایدار»، چکیده مقالات همایش مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه امام حسین علیه السلام.
- عبدوس، حامد (۱۳۸۹). قدرت نرم و انقلاب‌های رنگی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- علایی، حسین (۱۳۹۱). «امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد دفاعی، س ۱۰، ش ۳۹، پاییز، ص ۱-۳۴.
- غمامی، محمد مهدی و صلاحی، سهراب (۱۳۹۱). «قدرت نرم نظم اساسی جمهوری اسلامی ایران در تحقق آرمان وحدت اسلامی»، قدرت نرم، س ۲، ش ۶، تابستان، ص ۱۱۳-۱۴۷.
- قدسی، امیر (۱۳۸۹). «جایگاه سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد دفاعی، س ۸، ش ۳۰، پاییز، ص ۱۳۱-۱۵۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). «قدرت نرم و امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، س ۵، ش ۱۶، پاییز، ص ۱۳۵-۱۵۶.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۰). «درآمدی بر قدرت نرم»، عملیات روانی، س ۸، ش ۲۹، تابستان، ص ۱۳۵-۱۵۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). «مذاقه‌ای در منابع، ابزار، ابعاد و تهدیدات قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، سیاست دفاعی، س ۲۳، ش ۹۰، بهار، ص ۹-۵۶.

- قربی، سیدمحمدجواد و جعفری، علی اکبر (۱۳۹۴). «برجستگی منابع قدرت نرم ایران؛ مطالعه موردی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، س ۳، ش ۱۰، پاییز و زمستان، ص ۶۸-۲۹.
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۹). «تقدم الهام‌بخشی بر قدرت نرم در سیاست‌های کلان ج.ا.ایران در جهان اسلام»، راهبرد دفاعی، س ۸، ش ۲۸، بهار، ص ۱۴۷-۱۷۲.
- میرزایی، محمد (۱۳۹۴). «قدرت نرم و منابع آن در آیینة آیات قرآن»، آموزه‌های قرآنی، ش ۲۱، بهار و تابستان، ص ۷۸-۵۵.
- نای، جوزف (۱۳۸۶). «منافع قدرت نرم»، ترجمه ناصر بلیغ، مطالعات بسیج، س ۱۰، ش ۳۶، پاییز، ص ۱۱۶-۱۰۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). «آینده قدرت نرم در سیاست خارجی ایالات متحده»، در: پارما و کاکس، قدرت نرم و سیاست خارجی ایالات متحده، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نگروپونته، جان. دی (۱۳۹۰). قدرت نرم؛ تهدید سخت، ارزیابی تهدیدات دولت آمریکا، ترجمه محمد عباسی و حمیدرضا سیدی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- هرسیج، حسین (۱۳۹۰). «تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، قدرت نرم، س ۱، پیش‌شماره ۳، پاییز، ص ۱۳۷-۱۶۱.
- وطن‌دوست، رضا (۱۳۸۹). وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی، مشهد، دانشگاه رضوی.
- یزدانی، عنایت‌الله و شیخون، احسان (۱۳۹۱). «قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا با تأکید بر پدیده فرهنگ»، قدرت نرم، س ۲، ش ۵، بهار، ص ۹۵-۱۲۰.

Nye, Joseph (2004). *Soft power and leadership*, John F. Kennedy School of government, Harvard University.

Henrikson, Alan (2006). *What Can Public Diplomacy Achieve?* Netherlands Institute Of International Relations, Clingendael.